

بررسی نقش و جایگاه فرهنگ شهروندی در توسعه مدیریت شهری

مسعود غلامزاده فرد^۱

^۱ کارشناس ارشد حقوق بین الملل. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

چکیده

فرهنگ شهروندی و پایبندی به اصول و قوانین زندگی شهری یک از ملاک های مهم رشد و توسعه زندگی شهری و دستیابی به توسعه و استانداردهای مناسب زندگی شهروندی است. یکی از اساسی ترین پیش نیازهای داشتن جامعه ای مناسب داشتن فرهنگی مناسب است و این مسئله محقق نمی شود مگر با رعایت اصول، قوانین و مقررات مورد نیاز زندگی شهروندان که عدم رعایت این اصول توسط بعضی از افراد، شهروند را از ماهیت شهروندی خارج می سازد و توسعه شهری را با چالش مواجه می کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش و جایگاه فرهنگ شهروندی در توسعه مدیریت شهری صورت گرفته است. از لحاظ هدف یک پژوهش توسعه ای با رویکرد کاربردی است و از لحاظ شیوه اجرای پژوهش توصیفی مروری می باشد. در این رویکرد پژوهشگر ضمن توصیف متغیر فرهنگ شهروندی و ابعاد و مولفه های آن، در پی ارائه ابعاد و مولفه های مرتبط با فرهنگ شهروندی در ارتباط با مدیریت شهری می باشد. از لحاظ گردآوری داده ها به دو شکل مطالعات کتابخانه ای و ارزیابی پیشینه و پژوهش های صورت گرفته در ارتباط با متغیرهای تحقیق با رویکرد تحلیل محتوا می باشد. یافته ها نشان داد که فرهنگ شهروندی عاملی مهم در جهت توسعه مدیریت شهری می باشد و نتایج پژوهش های پیشین سه حوزه مسئولیت پذیری شهری، قانون مند بودن شهروندان و هنجارپذیری از الگوهای شهرنشینی را از عوامل و شاخص های موثر در جهت توسعه و ارتقای مدیریت شهری بهینه می دانند.

واژه های کلیدی: فرهنگ شهروندی، توسعه مدیریت شهری، مسئولیت پذیری شهری، قانون مند بودن شهروندان، هنجارپذیری

مقدمه

شهر و شهرنشینی از جدی ترین و مهمترین مباحثی است که توجه جدی به آن می تواند پایه های توسعه ایران مدرن و اسلامی را بنا کند. چنانچه شهری به مثابه یک سازمان قلمداد گردد، لازم است که در راس آن و به منظور اداره شهر از فنی استفاده گردد که همان مدیریت شهری است در این راستا توجه به فرهنگ و اخلاق در امر مدیریت شهری از اهمیت بسزایی برخوردار است. رشد شهرنشینی و صنعتی شدن جوامع شهری بدون در نظر گرفتن فرهنگ شهرنشینی، مشکلات گسترده ای را در شهرها به وجود آورده است. امروزه یکی از کارآمدترین ساز و کارهای مدیریت شهری برای رسیدن به مناسبات اجتماعی مطلوب و کاهش هزینه های وارده بر شهر توجه و برنامه ریزی برای ارتقای فرهنگ و اخلاق شهرنشینی در بین شهروندان است (شادی و شکاری، ۱۳۹۲).

نکته ای دیگر که در شهروندی حائز اهمیت است جامعه مدنی متشکل از انجمن ها، باشگاه ها، اتحادیه ها، احزاب و نظایر آن است که حائل و میانجی دولت و شهروندان محسوب میشود. شهروندی جزو لاینفک جامعه مدنی و مبنای تشکیل آن محسوب می شود که امکان مشارکت جمعی و داوطلبانه در تمام عرصه های اجتماعی را فراهم میسازد. در گسترش هنجارهای عام و جهانی، تحولات براساس متغیرهای الگویی به صورت بسط عام گرایی، فردگرایی، بی طرفی عاطفی، روابط همه جانبه و گسترده منابع جمعی معیارهای اکتسابی و مساوات طلبی پدید می آید. به این ترتیب شهروندی در نظریه پارسونز در ارتباط با نظام سرمایه داری جوامع مدرن معنادار می شود (شیانی و علی محمدی، ۱۳۹۴). فرهنگ شهروندی به عنوان یکی از شاخص های مهم شهروندی مجموعه ای از ارزش ها، نگرش ها، قوانین مشترک بنیادی است که در بردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک و همچنین تشخیص حقوق و تعهدات شهروندی است. در تعریف دیگری فرهنگ شهروندی فعالیت (فعال بودن) و تعهد شهروندی است. فرهنگ شهروندی اشاره به یادگیری زندگی جمعی دارد و شامل کسب ارزش ها، نگرش ها و مهارت ها و وفاداری به تعهدات شهروندی است. در برخی از تعاریف فرهنگ شهروندی با نام شهروند دموکراتیک شناخته می شود.

پژوهشگران براین باورند که هدف تئوریک سیستم مدیریت شهری، تقویت فرایند توسعه شهری است به گونه ای که در سطح متعارف جامعه زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان به تناسب ویژگی های اجتماعی و اقتصادی فراهم شود. سیستم مدیریت شهری به عنوان یک سطح و رده فضایی مدیریت احوال محلی برای اداره همه امور یک شهر به عنوان یک واحد فضایی مطرح است. مدیریت شهری، فرایندی از مسئولیت ها و اقدامات مرتبط شامل سیاست گذاری، برنامه ریزی، سازماندهی، اجرا، نظارت و کنترل است که، برای نیل به اهداف عملیاتی خاص در سطح جوامع شهری تنظیم شده است. شکل گیری این فرایند و تحقق اهداف عملیاتی در سطح جوامع شهری تنظیم شده است. شکل گیری این فرایند و تحقق اهداف عملیاتی آن نیازمند یک ساختار سازمانی متناسب و کارآمد برای اعمال مدیریت می باشد. در این ارتباط، مدیریت شهری باید دیدگاه جامع نگرتری درباره اجزا و عناصر سیستم شهری اختیار کند (زارعی و تقی پرو، ۱۳۹۶).

اشترن معتقد است، مدیریت شهری تعریف و محتوای خاصی ندارد (استرن، ۱۹۹۳). با توجه به سلیقه، ادراک مردم و همچنین خواسته های سیاسی - اجتماعی در دوره های مختلف معنای مختلفی داشت. بانک جهانی مدیریت شهری را به عنوان یک فعالیت شبه تجاری برای دولت ها تعریف می کند. به عبارت دیگر، مدیریت شهری به معنای مدیریت امور شهری و عملکرد بالا به منظور استفاده از وام های بانک جهانی است. مدیریت شهری گاه به عنوان ابزاری برای اجرای سیاست های شهری در نظر گرفته می شود که این به معنای مدیریت شهری است. وان دیک مدیریت شهری را تلاشی برای هماهنگی و تلفیق اقدامات دولتی و خصوصی برای غلبه بر مشکلاتی که ساکنان شهری با آن روبرو هستند و ایجاد شهرهای رقابتی تر،

عادلانه و با ثبات تر، تعریف می کند. همچنین مدیریت شهری مدرن را به عنوان فرآیند پیاده سازی، هماهنگی و ارزیابی استراتژی های یکپارچه با کمک مقامات شهر، با در نظر گرفتن اهداف بخش خصوصی و منافع شهروندان، در یک چارچوب سیاسی که در سطوح بالاتر دولت در حال انجام است، تعریف کردند (ملک محمود و سومی، ۱۵۰۲).

شهروند مدرن در قبال حقوق شهروندی، می بایست تعهداتی را نیز تقبل کند زیرا شهروندی، مفهومی گسترده تر از شهر نشینی دارد و شهروندان منفعل را فاقد شخصیت مدنی می دانیم. بنای مشارکت که در روند مدنیت جامعه مطرح است، دارای زیر پایه حق و تکلیف است. مشارکت نقشی اساسی و تعیین کننده در هویت فرد بازی می کند. مشارکت مبنایی است برای تبدیل فرد به شهروند. مشارکت دارای دو بعد فعال و غیر فعال است؛ مشارکت فعال حق شهروندان و مشارکت غیر فعال وظیفه ایشان تلقی می شود. روند بلوغ فرهنگ شهر نشینی در این پیوستار شکل می گیرد (رحمانی ۱۳۹۱). از نظر فرهنگی شهر خوب و مطلوب علاوه بر مدیریت شهری کارآمد نیازمند شهروندانی آگاه و آشنا به حقوق و وظایف شهروندی است بنابراین مدیریت شهری باید برای آگاه سازی عمومی و ایجاد و ارتقای فرهنگ شهرنشینی، گسترش شهروندمداری و آموزش شهروندان در زمینه های مختلف، کارکرد و فعالیت فرهنگی داشته باشد. راهکارهای توسعه فرهنگ شهروندی و دست یابی به یک شهر مناسب و توسعه یافته نیازمند بررسی جایگاه فرهنگ شهروندان و فرهنگ حاکم بر جامعه و ساکنان آن است. لذا در پژوهش حاضر به بررسی جایگاه فرهنگ شهروندی در توسعه مدیریت شهری پرداخته می شود.

مبانی نظری پژوهش

شهروندی^۱ به عنوان مفهومی بنیادی و نهادین در عصر حاضر از اهمیت وافری در زیست اجتماعی و شهرنشینی برخوردار است. شهروندی هم یک رابطه است، هم می تواند در قالب یک موقعیت تعریف شود؛ هم یک پایگاه و ارزش است و هم می توان آن را احساس تعلق از اجتماع کوچک تا اجتماع بزرگ تر تلقی کرد. از این رو گستره شهروندی از شهروندی محلی (خرد) تا شهروندی جهانی (کلان) را در بر می گیرد. شهروندی سنگ بنای طرح های نظری برای تعیین محورها و زیرمحورهای پژوهش در حوزه «بهبود کیفیت زندگی» جامعه و شهرنشینان قرار گرفته است. در واقع شهروندی و حقوق شهروندی، کانون اصلی مباحث حوزه کیفیت زندگی و رضایت از زندگی محسوب می شود (رزاقی، ۱۴۰۰). مطالعات نشان می دهند در تحقق واژه شهروندی و آگاه سازی مردم همچنین بحث حقوق شهروندی، آموزش نقش انکارناپذیری دارد. مورد اخیر در تمامی مجامع بین المللی پذیرفته شده و به صورت اصل درآمده است. به طوری که NCSS چهار عنصر برای یک شهروند مطلوب را بدین صورت ارایه مینماید: دانش^۲، تفکر^۳، تعهد^۴ و عمل^۵. آموزش در سطح جامعه شهری، شهروندان را به ابزار دانش و درک مهارت ها، نگرش ها، ارزش ها و گرایش ها مجهز ساخته و آنها را قادر می سازد تا مشارکتی فعالانه و معقول در سطح جامعه شهری به عهده بگیرند (محمدی و تبریزی، ۱۳۹۰). این آموزشها معمولاً با سه هدف کلی انجام می گیرد:

- آموزش درباره شهروندی

- آموزش به منظور شهروندی

Citizenship

^۲. Knowledge

^۳. Thinking

^۴. Obligation

^۵. Act

- آموزش از طریق شهروندی

البته باید اذعان داشت، شهر هنگامی از ساختارهای کالبدی آجری و سیمانی فراتر می رود و هویت واقعی خود را می یابد که از شهروندان تشکیل شود. هویت شهروندی به عنوان نوعی هویت اکتسابی، در تعامل میان شهروندان و سازمانهای مرتبط شکل می گیرد. هر دو طرف این تعامل دارای حقوق و تکالیفی هستند که بدون پایبندی به آن نمی توان انتظار تحقق جامعه ای اصولی را داشت (توکلی، ۱۳۸۰).

از آن جا که بخشی از مشکلات و نابسامانی های موجود در اداره کلان شهرها و شهرهای بزرگ حاصل عدم توافق یا بی توجهی اقشاری از شهرنشینان به شیوه های عقلانی زندگی و زیست شهری است و فقدان یا کمبود آگاهی از فرهنگ شهروندی و الگوهای رفتاری زندگی شهری هزینه های زیادی را به ساکنان شهر، مدیریت شهری و محیط شهری تحمیل می کند؛ لذا ضرورت توسعه فرهنگ شهرنشینی و کسب مهارت های شهروندی در میان ساکنان شهر بیش از پیش اهمیت یافته و لازم است از طریق روش ها و سازوکارهای آموزشی و ترویجی در گسترش و بهبود فرهنگ شهروندی گام برداشته و نهادینه شود. بنا به دلایل مختلف، ازجمله افزایش میزان مهاجرت ها، در دهه های اخیر، مدیران شهرهای بزرگ، شاهد درهم آمیختگی فرهنگ های گوناگون بوده اند. این موضوع، اداره شهرها را با پیوندها و تعارضات نژادی، قومیتی، زبانی، سنت های متفاوت روبرو ساخته است. تا پیش از این، نظریه های جامعه شناسی شهری، برای تبیین و ارائه راه حل تعارضات شهری، دسته بندی هایی را بر اساس طبقه های اجتماعی، مشاغل، سطوح تحصیلاتی، اقلیم شهری، مبنای تحلیل قرار می دادند تا بتوانند به قوانین اجتماعی جهان شمول و قابل تعمیم دست یابند. این روش از لحاظ کاربردی، پاسخگوی حل تمام مسائل نبود و به همین دلیل با انتقاد روبرو شد؛ بنابراین الگوهای تحلیلی اجتماعی فرهنگی تا اندازه زیادی جایگزین مدل های جهان شمول پیشین شدند. (استیونسون، ۱۳۹۲)

فرهنگ شهروندی تحت تاثیر دو مفهوم فرهنگ و شهروند قرار دارد. «فرهنگ پدیده ای اکتسابی، انتقال پذیر، پویا و آموختنی است، به واسطه همین ویژگی ها، فرهنگ شهروندی را می توان قابلیت اکتسابی تعریف کرد که شکل دهنده به سبک کلی زندگی و هادی تعاملات او با دیگران باشد. در هزاره سوم، دست آوردهای تمدن تکنولوژیکی جایگاه فرهنگ شهروندی را با مفاهیمی چون، فن آوری، سواد رسانه ای، جهانی شدن و چند فرهنگ گرایی متحول ساخته و تعبیر جدیدی از فرهنگ شهروندی را شکل داده است (شاه طالبی و همکاران، ۱۳۸۹).

مارشال درمورد فرهنگ شهروندی، اشاره به سه نوع حقوق شهروندی کرده، که در طی سه قرن این حقوق شکل گرفته است **حقوق مدنی**: حقی است که در جامعه بوجود آمده است. حقوق مدنی عبارت از حقی است که امکان تملک دارایی ها، التزام به قراردادهای آزادیهای حزبی، و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می کند. ایجاد توقعات برابر و قضاوت بی طرفانه در نظام حقوقی نسبت به همه شهروندان ازجمله حقوق شهروندی مدنی است. از نظر مارشال درجایی که حقوق مدنی وجود ندارد. امکان آزادی فردی و سرمایه گذاری اقتصادی نیز وجود ندارد.

حقوق سیاسی: عبارتست از حقوقی که امکان مشارکت مردم را در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات فراهم میکند. شهروندی سیاسی همچنین این امکان را فراهم میکند که هریک از شهروندان امکان دسترسی مستقیم به موقعیتهای سیاسی در مقام رهبری احزاب، دولت و یا سایر حلقه های قدرت را بدست آورند.

حقوق اجتماعی: عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از فرد و خانواده های آسیب پذیر را به منظور ایجاد تعادل در زندگی رفاهی آنها فراهم می آورد. به طور معمول حقوق اجتماعی شامل کمک های مالی و رفاهی به افراد کهنسال، معلول و افراد

و خانواده های بیکار می شود. حقوق اجتماعی همچنین شامل فراهم آوردن شرایط مساوی بهره مندی امکانات آموزشی، مسکن و سلامتی برای همه اعضای جامعه می باشد (مهدوی و عاشوری، ۱۳۹۳).

گسترده و پیچیدگی مسائل شهری و رشد و توسعه روزافزون شهرها، مدیریت امور شهر را به وظیفه ای دشوار تبدیل کرده است. علاوه بر موضوعاتی همچون محیط زیست، حمل و نقل، ایمنی و برنامه ریزی شهری، یکی از عوامل مهمی که تاثیر فزاینده و تعیین کننده بر عوامل سازنده شهری دارد، مدیریت شهری است. اگر شهر همچون سازمانی در نظر گرفته شود، الزم است در راس آن عنصری برای برنامه ریزی آینده و اداره امور کنونی قرار گیرد. این عنصر را می توان مدیریت شهر نامید. مسائل بسیاری در شهرها وجود دارد که برای حل آنها و پاسخ به درخواست های موجود در عرصه های زندگی جمعی، وجود مدیریت شهری ضروری است (پورقاسم و همکاران، ۱۳۹۲). مدیریت به معنای برنامه ریزی، سازمان دهی، نظارت و ایجاد انگیزش است. چنان چه شهر به مثابه یک سازمان قلمداد گردد، لازم است که در رأس آن و به منظور اداره امور شهر از فنی استفاده گردد که مدیریت شهری نام دارد. مدیریت شهری باید برای شهر، برنامه ریزی هایی را به انجام برساند، فعالیت های شهری را سازمان دهد و بر فعالیت های انجام شده نظارت کند و حتی برای انجام بهینه امور، انگیزش ایجاد نماید (خلیل آبادی و همکاران، ۱۳۹۷). در حقیقت مدیریت شهری برنامه ریزی کنترل شده برای دستیابی به کارآمدی و برابری توسعه شهری است. مدیریت شهری تنها مدیریت تاسیسات و سازمان های شهری نیست، بلکه مدیریت فرآیند شهر نشینی، توسعه شهری و انجام امور شهری است به گونه ای که تاسیسات شهری باهم هماهنگ کار کنند که کارآمدی واحد های فضایی شهر (شهر پویا) در سطوح مختلف نظام و بخش های شهری به روش دل خواه و در جهت توسعه پایدار حفظ شود. به این ترتیب ناهماهنگی فضایی در استانداردهای زندگی بین مناطق شهر باید با مدیریت بهینه شهری تا حد ممکن حذف و تعدیل شود (مرصوصی، ۱۳۸۳).

جامعه شناسان کلاسیک خصوصاً وبر، دورکیم و تونیس، نوعی هویت، عضویت و تعهد عقلانی، عرفی و مدنی جدید برای اعضای جامعه در غالب پدیده شهروندی و جهت مدیریت بهینه شهری پدید آورده اند که به مشارکت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی دموکراتیک و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه منجر می گردد و نهایتاً به تقویت انسجام و نظم اجتماعی می گراید. از این منظر شهروندی عقلانی وبر، شهروندی مدنی و عرفی دورکیمی و شهروندی عرفی و گزشتافتی تونیزی معنا پیدا می کند. پارسونز نیز در قالب مفهوم شهروندی اجتماعی مدرنیستی، با مبنا قرار دادن متغیر های الگویی عام گرایی، بی طرفی ارزشی، اکتساب و نیز جامعه مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی، تصویری از شهروندی به عنوان نوعی کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی عرضه می کند. از نظر میلر (۲۰۱۱) شهروندی فرهنگی رساله درخشان و اصلی در شهروندی و مصرف است، و آن را یک مدل از مطالعات فرهنگی پرشور و سیاسی که مسائل کلیدی از درگیر لحظه حاضر است در نظر می گیرد. او برای نشان دادن ادعای خود از شهروندی فرهنگی به پوشش رسانه ای از ترور، مواد غذایی و آب و هوا و مخلوطی از موضوع های به ظاهر پیش و پا افتاده که در ابتدا خواننده عنوان عجیب و غریب را به آن می دهند، ضربه می زند. اما خیلی زود مشخص می شود که آنها نمونه های کلیدی است که چگونه رسانه های ایالت متحده با استفاده از این موارد برای افزایش محافظه کاری ملی، حمایت از تولیدات، وطن پرستی و مفاهیم نظامی ارائه می کند (بخارایی و همکاران، ۱۳۹۶).

پژوهش های بسیاری در ارتباط با فرهنگ شهروندی و مدیریت بهینه شهروندی انجام شده است. از جمله شیانی و محمدی (۱۳۹۴) به مطالعه فرهنگ شهروندی در مدیریت شهری تهران پرداختند. نتایج حاصل از نظرات کیفی مدیران و مسئولان شهرداری پیرامون وضعیت فرهنگ شهروندی نشان می دهد که تعدد و تکرار قوانین در حوزه شهر و متولیان امور

شهری و نیز قوانین و مقررات مربوط به وظایف شهرداری ها موجب شده است از یک سو در سازمان شهرداری برخی فعالیت ها و اقدامات صورت گیرد که مجوز قانونی کاملاً مشخصی ندارند، اما به عنوان وظایف عرفی شهرداری در حال انجام است؛ و از سویی دیگر در شهرداری مجموعه کارهایی انجام نمی گیرد و قانون گذار نیز آنها را مشخص نکرده است اما بر عهده شهرداری است. در نهایت می توان به این نتیجه رسید که قوانین و مقررات لازم الاجراء در سه دسته مربوط به شهر، شهروند و شهرداری از عناصر فرهنگ شهروندی با چالش مواجه هستند. بنابراین می توان به سه مشکل اساسی توجه داشت: عدم ضمانت اجرایی برای قوانین و مقررات شهری، ابهام در قوانین و مقررات شهری، وجود خلأ در قوانین و مقررات شهری که هر کدام پیامدهای خاصی را به دنبال خواهد داشت.

زارعی و تقی پور (۱۳۹۶) به بررسی نقش ساختار مدیریت شهری در توسعه فرهنگ سیاسی پرداختند. بر اساس نتایج مقدار آماره t تک نمونه ای برای همه متغیرها، از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر بود در نتیجه اختلاف میانگین همه متغیرها از عدد ۳ معنادار بود، لذا میانگین کلیه مؤلفه های متغیر ساختار مدیریت شهری (میزان مشارکت شهروندان، رعایت حقوق شهروندی، ارائه خدمات شهری) و متغیر فرهنگ سیاسی، در بین شهروندان ۲۹-۱۸ ساله شهر تهران بالاتر از میانگین مفروض (۳) بود. بنابراین می توان گفت ساختار مدیریت شهری و فرهنگ سیاسی در جامعه مورد مطالعه از وضعیت مناسبی برخوردار بود. همچنین بر اساس نتایج به ازاء یک واحد افزایش در مشارکت شهروندان، رعایت حقوق شهروندی و ارائه خدمات شهری به ترتیب ۴۷ درصد، ۵۶ درصد و ۳۳ درصد به بهبود احساسات، و ادراکاتی که مردم به سیستم سیاسی دارند، افزوده شد. گنجی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تأکید بر آموزش های شهروندی به سنجش میزان فرهنگ شهروندی با ابعادی چون مسئولیت پذیری، مشارکت جویی و رعایت قوانین پرداخته است. نتایج حاصل از تجزیه تحلیل مقاله نشان می دهد که بین آموزش های شهروندی با میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه ی مستقیمی وجود دارد و میزان ضریب همبستگی آنها برابر ۰/۱۷ درصد است. به عبارتی آموزش های فرهنگی شهرداری ها می توانند در افزایش میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی نقش داشته باشند. از میان ابعاد سه گانه آن، آموزش های شهرداری در افزایش مسئولیت پذیری شهروندان با ضریب همبستگی ۰/۳۳ درصد بیشترین نقش را داشته است، اما در مورد دو بعد دیگر همبستگی معناداری وجود نداشته است. (گنجی، ۱۳۹۳).

نوروزی و گل پرور (۱۳۹۰) تحقیقی در زمینه برخورداری زنان از حقوق شهروندی ارائه کرده اند با عنوان "بررسی میزان احساس زنان از حقوق شهروندی و عوامل موثر بر آن". در این پژوهش زنان یکی از عوامل موثر بر توسعه پایدار جامعه در نظر گرفته شده است که بدون مشارکت فعال آنان در این عرصه جوامع امروزی با مشکلات و موانعی روبرو خواهند شد. نویسندگان معتقدند که «زنان در جامعه کمتر از مردان به امکانات بهداشتی دسترسی داشته و سطح سواد و تعلیم و تربیت در آنها پایین تر از مردان است. در برابر کار مساوی مزد کمتری می گیرند و ساعات بیشتری را در طول روز بدون مزد و با مزد کار می کنند و بیشتر در معرض خشونت و نابرابری و تبعیض قرار دارند.» (نوروزی و گل پرور: ۱۳۹۰: ۱۶۹)

گود (۲۰۱۰) نیز در مقاله ای با عنوان شهروندی فرهنگی آنلاین، فرهنگ دیجیتالی و اینترنتی، به بررسی ارتباط بین شهروندی فرهنگی و رسانه ای مبتنی بر اینترنت می پردازد. در این پژوهش استدلال می شود که درگیر شدن با کمک های شهروندی فرهنگی مباحث انتقالی فراتر از مفاهیم غلط شکاف دیجیتالی است. گود در این مقاله پیشنهاد می کند که شهروندی فرهنگی، سوالات در دسترس، بینش و شناختن فرهنگ و همچنین تنش های بین درون و برون فرهنگی جامعه باید به صورت آنلاین فراخوانی شود. نتایج نشان داده اند که تحقیق در این زمینه باید اینترنت را به عنوان یک آرشو فرهنگی باز در خدمت بگیرند

که شهروندان بتوانند به طور آزاد از آنها استفاده کنند، به عبارت دیگر ادعاهای فرهنگی برای تصدیق فرهنگی، حق حاکمیت و حفاظت را آزادانه به خدمت بگیرند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف توسعه ای با رویکرد کاربردی است و از لحاظ شیوه اجرای پژوهش توصیفی - مروری می باشد. در این رویکرد پژوهشگر ضمن توصیف متغیر فرهنگ شهروندی و ابعاد و مولفه های آن، در پی ارائه ابعاد و مولفه های مرتبط با فرهنگ شهروندی در ارتباط با مدیریت شهری می باشد. از لحاظ گردآوری داده ها به دو شکل مطالعات کتابخانه ای و ارزیابی پیشینه و پژوهش های صورت گرفته در ارتباط با متغیرهای تحقیق با رویکرد تحلیل محتوا می باشد. ملاک گزینش محتوا بررسی حداقل یکی از متغیرهای پژوهش بود. از لحاظ زمانی نیز پژوهش یک رویکرد مقطعی داشت زیرا در یک برهه زمانی خاص داده ها گردآوری و محتوای مورد نظر تدوین و ارزیابی شدند.

یافته ها

با نگاهی به تحقیقات حاضر می توان فهمید مفهوم شهروندی از پیشینه تحقیقاتی بسیاری چه در داخل و چه در بیرون از ایران برخوردار است. بیشتر این پژوهش ها، شهروندی را از سه بعد مدنی، سیاسی و اجتماعی بررسی کرده اند. در برخی موارد با توجه به گسترش بعد فرهنگی شهروندی و لزوم توجه به این بعد باعث شده تا در مطالعه شهروندی به سنجش بعد فرهنگی آن نیز بپردازند. در ایران کمتر بعد فرهنگی شهروندی و نقش اقلیت های فرهنگی جامعه مورد مطالعه قرار گرفته است و مفهوم شهروندی فرهنگی به صورت کاملاً مجزا سنجیده نشده است و بیشتر به فرهنگ شهروندی توجه شده تا خود مفهوم شهروندی فرهنگی. تمایل به توسعه و پیشرفت پایدار، فرهنگ و مطالعات فرهنگی را به یکی از مهمترین موضوعات پژوهشی تبدیل کرده است. فرهنگ شهروندی به عنوان یک مفهوم نو در بافت نوین زندگی جمعی انسانی که هادی تعاملت پایدار انسانی است از جمله این موضوعات مهم مورد توجه است. فرهنگ شهروندی متأثر از مفهوم فرهنگ و شهروند در طول تاریخ بوده است. در دیدگاه متقدمین مفهوم شهروندی در جایگاه قانونی و با تبعیت مردم از دولت بار میافت درحالی که امروزه مفهومی فراتر از قانون پیدا کرده و صرفاً تعبیری حقوقی ندارد (سیف زاده، ۱۳۹۵).

فرهنگ در جوامع انسانی در بعد مادی و معنوی با توجه به کارکردها و کاربردها، معانی متفاوتی به خود گرفته است. فرهنگ شهروندی مانند سایر عناصر فرهنگ با توجه به موقعیت، کارکرد یا وظیفه اجتماعی که بر آن محول شده، باید بررسی گردد. در واقع هنگامی که از یک عنصر در فرهنگ یک جامعه در زبان عام صحبت می کنیم این مسئله لزوماً نه مثبت است و نه منفی، بلکه بیشتر باید به سازو کارها و شرایط شکل گیری و تحول، زوال و نابودی آن پدیده تأکید کنیم. پس هنگامی که صحبت از فرهنگ شهروندی می شود بیشتر به نوعی رابطه آن را با سایر پدیده فرهنگی و اجتماعی توجه می کنیم. در حالی که در زبان فارسی امروز به اخلاق شهروندی این پدیده استناد می شود، یعنی وظایفی که شهروندان در یک شهر نسبت به نهادهای اجتماعی و یا سایر شهروندان دارند و یا حداکثر به نوعی حقوق. در حالی که از نظر ما فرهنگ، پهنه های شناختی بسیار گسترده تری را در بر می گیرد. شهروندی یعنی روابط قرار دادی میان آن ها می تواند این حسن را در بر داشته باشد، که تعدادی از مردم متوجه مباحث مطرح شده بشوند و بتوانند با توصیه های که برای مثال در زمینه های اخلاقی یا حتی رعایت حقوق و استفاده درست از فناوری ها شهری می شود خود را منطبق کنند (فکوهی، ۱۳۸۷).

در حوزه فرهنگ شهروندی یکسری از پارامترها و متغیرها جزء کلید واژه هایی اساسی فرهنگ شهروندی هستند. این مفاهیم کلیدی همان "مسئولیت پذیری شهری، قانون مند بودن شهروندان، هنجارپذیری از الگوهای شهرنشینی" است، در یک جامعه

شهری تا این مفاهیم که از بطن یک فرهنگ شهری نشأت گرفته نهاده نشده؛ و هریک از شهروندان با حقوق و وظایف خود آشنا نگردند، فرهنگ شهروندی شکل نمی گیرد. این واژگان کلیدی را می توان از همان آغاز کودکی درونی کرد؛ هر شهری با هزینه های بسیاری برای اجرا شدن حقوق و وظایف شهری روبرو می شود، بر این اساس هر چه قدر که هزینه ها دائماً افزایش یابد و به موقعیت های درست دست نیابد، ناچار هستیم در شهر کنترل اجتماعی را افزایش دهیم که با یکسری از پیامدهای فرهنگی و اجتماعی روبرو می شویم.

به نظر ارمه (۱۹۸۷) فرهنگ شهروندی دارای ویژگی های زیر است « اولین ویژگی این است که شهروندی باید از پیش بر یک الفبایی کردن مقدماتی، یعنی بر اساس شناخته های حداقل از تاریخ و محیط هوشمندی پی ریزی می شد، به عبارت دیگر شهروند باید قادر شود تا به سوی بیرون بنگرد، پنجره را بگشاید، در انزوا زندگی نکند و فقط با همسایگان نزدیک خود به معاشرت نپردازد... دومین ویژگی کلی فرهنگ شهروندی، تحصیل قواعد یک سلوک دموکراتیک حقیقی است، چه از لحاظ رفتار و چه از نظر ارزش های اخلاقی، شهروند نه تنها باید به حقوق خود بلکه باید به وظایف خود نیز آگاه باشد. سومین ویژگی دیگر که اهمیت بنیادی دارد، سطح اخلاق مدنی است که ناشی از همان وحدت و اهمیت دو ویژگی قبلی است؛ و نوعی ویژگی تکلیف مدارانه است. در جامعه ای که به نظر پوپر جامعه دموکراتیک حاکم باشد، وجود کثرت گرایی و آزادی حاکم باشد، اخلاق مدنی روحیه مدارانه بیشتر با جامعه سازگاری دارد» (ثاقب فر، ۱۳۸۰).

مسئولیت پذیری شهری

مسئولیت پذیری شهری و اجتماعی در دنیای امروز یکی از شناخته شده ترین و متداولترین مفاهیم و اصولی است که کمپانی های بزرگ و کوچک متناسب با دامنه و گستره فعالیت ها و بهره مندی های شان از محیط پیرامون، خود را ملزم به ایفای آن می دانند. امروزه فعالان اقتصادی اعم از حقیقی و حقوقی در بسیاری از کشورهای جهان به این اصل ملزم هستند که در ازای استفاده هایی که از منابع طبیعی، محیط زیست و حتی امنیت روانی و روحی جوامع میزبان دارند، اقداماتی را نیز برای جبران ضررهای احتمالی یا ایفای مسئولیت هایی که ناظر بر بهره برداری از دارایی های کیفی و غیر ملموس جامعه متوجه آنان است، انجام دهند. در کشور ما متأسفانه چنین موضوعی هنوز به شکلی که باید و شاید گسترش پیدا نکرده است؛ این مهجوریت در حالی است که احساس مسئولیت در قبال منابع طبیعی، محیط زیست، حیات وحش و ... از جمله آموزه های دین مبین اسلام و عادت های فرهنگی و تاریخی ایرانیان بوده و هست.

تحقیقات انجام شده نشان می دهند که مسئولیت پذیری افراد در هر جامعه موجب تنظیم روابط اجتماعی و انسانی و افزایش نوع دوستی و همدلی می شود. و بر اساس آن، افراد خود را نسبت به هم وابسته احساس کرده، بر مبنای همین احساس وابستگی سرنوشت خود را با دیگران در پیوند می بینند، لذا در صورت فقدان مسئولیت پذیری اجتماعی افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به جامعه ای که در آن زندگی می کنند، احساس بیگانگی نموده، نسبت به سایرین بی تفاوت شده و حتی به راحتی از کنار آسیب های اجتماعی موجود می گذرند. همچنین، تحقیقات انجام شده نشان می دهند که وجود مسئولیت پذیری در افراد، می تواند در ارتقای امنیت اجتماعی، بهبود عملکردهای اجتماعی و کسب موفقیت های تحصیلی آنها، ارتقای سطح سلامت روانی و عزت نفس افراد و خود شکوفایی آنها مؤثر واقع شود. علاوه بر این با تقویت مسئولیت پذیری افراد در شهرها و محل زندگی خود می توان بسیاری از انحرافات اجتماعی مانند بزه کاری ها، جرایم و مشکلات رفتاری در جامعه را کاهش داد (موحد و همکاران، ۱۳۹۲).

قانون مند بودن شهروندان

یکی از ویژگی های زندگی اجتماعی انسان، قاعده مند و نظام مند بودن آن است. این نظام مندی، میراث فرهنگ سازی و تمدن پویای بشری است که در گذر زمان تحقق یافته است. با بهره گیری از نظام قواعد و قوانین، انسان ها در کنار یکدیگر زندگی می کنند بدون این که تمایلات فردی و هنجارگریز، شاکله نظام اجتماعی را مختل سازد. در واقع، شالوده اساسی نظام اجتماعی تعامل مبتنی بر نظم و قواعد رفتاری است. هنجارها به شکل هنجارهای رسمی و یا هنجارهای غیر رسمی به نظم بخشی زندگی اجتماعی انسان می پردازند. هنجارهای رسمی در قالب قواعد و قوانین و هنجارهای غیر رسمی در قالب عرف های جاری به کار بسته می شوند. قوانین از آن رو که برآمده از اراده جمعی است و میثاق اجتماعی و مستند مردم در یک حوزه سرزمینی است، برای همه شهروندان لازم الاجرا است. با وجود این، همه افراد جامعه به یک اندازه با قوانین رسمی هماهنگی ندارند و برخی افراد به اشکال مستقیم و غیر مستقیم و آشکار و پنهان سعی در عدول از موازین آن دارند. به همین سبب، طیفی از رفتارها در جامعه شکل می گیرد که یک سوی آن قانون گرایی و سوی دیگر، قانون گریزی است و شهروندان جامعه متناسب با میزان پذیرش و پیروی از قوانین مصوب، بر روی این طیف قانون گرایی- قانون گریزی توزیع می شوند. آن چه به عنوان قانون گریزی شناخته می شود، نوعی جهت گیری نسبت به هنجارهای قانونی جامعه است که به کجروی یا انحراف از آن ها منجر می شود.

دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۸) به موضوع هدف شناسایی موانع قانون گریزی و قانون شکنی و ارائه راهکارهای مقابله با آن پرداخته اند. جامعه آماری این تحقیق، متخلفان قوانین راهنمایی و رانندگی و مجرمان در استان مازندران بوده است. حجم نمونه ۷۵۰ نفر بوده است و نمونه ها به روش نمونه گیری تصادفی به دست آمده است و از گروه اول ۲۳۰ نفر و از گروه دوم ۵۲۰ نفر برای بررسی انتخاب شده اند ابزار گردآوری داده های این پژوهش، مصاحبه و پرسشنامه بوده است. نتایج پژوهش نشان داده است که بین ویژگی های شخصیتی افراد، آموزش و آگاهی آن ها از قوانین، ضعف و خلاء قوانین، بی هنجاری، مشکلات قانون گریزی و اجباری بودن قوانین با قانون گریزی رابطه معناداری وجود دارد.

هنجار پذیری از الگوهای شهرنشینی

یکی از ویژگی های جهان سوم در زمینه های هنجاری و نظم پذیری، گریز از پذیرش عمومی قانون است. این شرایط سبب شده است که با وجود بیش از یک قرن ارتباط با آموزش های مدرن و فراگیر، هم در حوزه های حقوقی و قانونی و هم در دیگر ابعاد اجتماعی، همه شهروندان نسبت به جایگاه سازنده و مهم قانون و ضرورت پیروی از آن در همه ابعاد و بخش های زندگی فردی و اجتماعی، آگاهی عملی پیدا نکنند. آنچه به خصوص به لحاظ روان شناسی اجتماعی اهمیت دارد، جامعه پذیری ارادی و داوطلبانه قوانین از سوی افراد جامعه است. این وضعیت زمانی تحقق می یابد که پذیرش قانون در باورها و ایستارهای شهروندان نهادینه شود و بر حوزه رفتاری و عملکردی آن ها تأثیر بگذارد. در چنین وضعیتی، قانون پذیری جزئی از فرایند اجتماعی شدن افراد جامعه محسوب می شود. اگر فرایند اجتماعی شدن به شیوه ای درست انجام شده باشد، افراد جامعه دلبستگی و علاقه فراوانی به رعایت قوانین پیدا می کنند و سعی می کنند از آن ها نهند. این گونه از اجتماعی شدن، نیازمند بهره گیری از ابزارهای نظارتی و کنترلی توسط جامعه و نهادهای زیرمجموعه آن است. زندگی اجتماعی انسان ها در کنار قاعده مند بودن نیازمند بهره گیری از این ابزارهای کنترلی است زیرا در انسان ها در تعامل مستقیم و غیر مستقیم با یکدیگرند و در امور مختلف مشارکت دارند و به سامان بودن جامعه با این حجم از تعاملات اجتماعی نیازمند قانون گرایی است.

هنجار گریزی یکی از ویژگی هایی است که به شکل قابل توجهی در بخشی از رفتارهای شهروندان جامعه ایرانی وجود دارد، به گونه ای که «اغلب نظرسنجی ها و تحقیقاتی که به سنجش میزان قانون گرایی در بین ایرانیان پرداخته اند، به این نتیجه

رسیده‌اند که در ایران تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه دیده نمی‌شود» (میرفردی و فرجی، ۱۳۹۵). در حقیقت هنجارپذیری شهروندی با ارتقای فرهنگ شهروندی ارتباط مستقیم دارد. این مؤلفه در جهت دادن رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی و شاخص‌های توسعه فرهنگی نقش مؤثری ایفا می‌کند. تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر فرهنگ شهروندی به طور عمده به عنوان توسعه دانش، هنجارها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که شهروندان را قادر می‌سازد به عنوان شهروند فعال و آگاه در جامعه مشارکت کنند.

به عبارتی دیگر فرهنگ شهروندی از عوامل متعدد تاریخی، اجتماعی، و سیاسی تاثیر پذیر است اما برای شکل‌گیری فرهنگ شهروندی نیاز به سه عنصر آرمانی است که یکی شهروند فعال (در عرصه خصوصی)، دیگری سازمان کارا و اثربخش (در عرصه عمومی) و سوم حاکمیت خوب (در عرصه دولت) می‌باشد. آنچه کهاین سه عرصه را به همدیگر پیوند می‌زند حقوق و تعهداتی است که به طور اخص نسبت به همدیگر و به طور اعم نسبت به جامعه دارند. هر چه یک جامعه به سوی شهروندی فعال، سازمان کارا و حاکمیت خوب پیش رود، آن جامعه بیشتر به تحقق فرهنگ شهروندی نزدیک می‌شود (همتی و احمدی، ۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه ضمن مشارکت در حوزه‌های مختلف و برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقای شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. براین اساس آموزش فرهنگ شهروندی، نهادینه سازی حقوق و تکالیف متناسب با شهروندی مبتنی بر کرامت و ارزش‌والای انسانی است. فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک اجتماعی است که در بردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام متقابل است و علاوه بر یادگیری زندگی جمعی، شامل کسب ارزش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و وفاداری به تعهدات شهروندی است. فرهنگ شهروندی هنجارهای جامعه را رقم می‌زند و پایه‌های ارتباط میان شهروندان را شکل می‌دهد. در شهری که شهروندان آن از فرهنگی غنی برخوردار باشند، امنیت و آرامش ارتقاء یافته و مشارکت سازنده شهروندان هزینه‌های اداره شهر را کاهش می‌دهد. آموزش و توانمندسازی شهروندان جهت ارتقای مهارت‌ها، کسب عادت‌های صحیح زندگی اجتماعی و به روز رفتارهای مطلوب شهروندی به ویژه در راه بهره‌گیری مناسب از امکانات شهری از جمله ضرورت‌های مدیریت شهری در توسعه فرهنگ شهرنشینی قلمداد می‌شود.

از زاویه‌ی دیگر، بدون ارتقای فرهنگ شهروندی، حرکت به سوی توسعه‌ی همه جانبه‌ی شهرها غیرممکن است. نتایج تحقیقات علمی نشان می‌دهد که حتی با زیرساخت‌های فعلی، در صورت ارتقای فرهنگ شهروندی، ظرفیت سکونت در شهرها، به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد؛ و شاخص‌های رفاه شهروندان نیز به شدت رشد می‌کند. برای مثال، تنها با رعایت قوانین ترافیکی، ظرفیت اکثر معابر شهرها با همین زیرساخت‌های کنونی به طور محسوس افزایش می‌یابد و عبور و مرور در آنها به شکل چشم‌گیری متحول می‌شود.

یکی از راهبردها و راهکارهای توسعه فرهنگ و مدیریت شهری بهینه، آموزش‌های اجتماعی و فرهنگی است. آموزش فرهنگ شهروندی شهروندان را با تاریخ و ساختار محیطی که در آن زندگی میکنند، آشنا کنیم. هم چنین قواعد و سلوک دموکراتیک را به شهروندان آموزش دهیم. در واقع فرهنگ به نوعی برای شهروندان ویژگی تکلیف-مدارانه به وجود می‌آورد که باید اخلاق مدنی و روحیه مداری بیشتری از شهروندان در جهت سازگاری با جامعه صادر گردد. تربیت شهروندی در بعد فرهنگ اشاره به حمایت قانونی از فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ -های موجود در یک جامعه می‌کند که باید شهروندان به پذیرش این خرده

فرهنگ‌ها بردازند و احترام متقابلی برای آنها در یک جامعه قائل شوند که این مسأله در سازگاری اجتماعی و رشد اخلاقی مدنی کمک بسیاری می‌کند. بر این اساس آموزش‌هایی که به شهروندان در زمینه‌ی حقوق اشتراکی و رعایت فرهنگ اقلیت‌ها داده می‌شود، نقش بارزی در توسعه فرهنگ شهروندی دارد. انسجام و همبستگی و تعامل و ایجاد نظام شهری مناسب نیازمند مدیریت واحدی است و این تنها در صورتی انجام می‌پذیرد که فرهنگ شهروندی مناسب ایجاد شود. فرهنگ شهروندی فرهنگی است که در آن دو گونه اعتماد وجود دارد؛ یکی اعتماد شهروندان به یکدیگر و دیگری اعتماد متقابل آنان به مدیران شهری. در صورت اعتماد به مدیران شهری است که توان مدیران در پیاده کردن اهداف‌شان افزایش می‌یابد و از بسیاری از هزینه‌ها به سبب مشارکت و حضور مردم کاسته می‌شود. پس به لحاظ ضرورت توسعه شهر و فرهنگ شهری و برای بهبود و رونق وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرها باید برنامه‌ریزی داشت و این برنامه‌ریزی بیش از همه باید معطوف به شیوه‌های زندگی شهرنشینی و فرهنگ شهرنشینی آنان باشد. در همین راستا شالوده مدیریت شهری عبارت است از بر عهده گرفتن نقشی فعال در توسعه، مدیریت و هماهنگ‌سازی منابع برای دستیابی به اهداف توسعه شهری و سازمان‌دهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر است لذا هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه همراه با عدالت اجتماعی، کار آیی اقتصادی و پایداری زیست‌محیطی و دست یابی به یک فرهنگ مناسب شهری و اجتماعی در جهت توسعه شهرنشینی می باشد. در راستای توسعه فرهنگ شهرنشینی متناسب با جایگاه شهروندی و نیز توسعه مدیریت شهری مناسب، پیشنهادات زیر مطرح می گردد.

- بهره برداری از منابع و ادبیات غنی اخلاقی در ترویج آموزش های اعتماد اجتماعی با استفاده از فن آوری های نوین ارتباطات و فنون مدرن یادگیری

- آگاه سازی شهروندان از ماموریت ها، وظایف، اقدامات و خدمات شهرداری در مناطق، نواحی و محلات شهری
- تشویق و ترغیب شهروندان به حفظ و تقویت سنت های داوطلبانه، فعالیت های خیریه و مشارکت در امور عام المنفعه

- آگاه‌سازی شهروندان از محاسن و مزایای فردی و اجتماعی رعایت فرهنگ شهروندی، به‌منظور تقویت فرهنگ شهروندی ضرورت دارد و در این راستا، پیشنهاد می‌شود شهروندان نمونه در زمینه رعایت فرهنگ شهروندی و موازین قانونی؛ سالیانه معرفی شوند و از آن‌ها تقدیر شود

- جلب مشارکت شهروندان در اصلاح الگوی مصرف از طریق تقویت سازمان های مردم نهاد و تشکل های اجتماع محور

- استفاده از مردم یک شهر در قالب نظام یافته جهت برگزاری هرچه بهتر آموزش ها توسط نهادهای مختلف
- به کارگیری نظرات کارشناسی و متخصصان در زمینه بهبود فرهنگ نظم وانضباط و قانون گرایی
- تشویق و تقویت مشارکت همسایگان در شناسایی و حل و فصل مسایل و مشکلات محله و آپارتمان نشینی از طریق حمایت از شبکه های اجتماعی محله محور

- استفاده از کارشناسان شهری و فرهنگی در جهت ارائه راهکارهای مناسب در قالب لقاء فرهنگ عمومی
- آشناسازی ساکنان محلات شهری با نقش و جایگاه شورایاران در حل و فصل مشکلات محله ای و همسایگی
- گسترش فرهنگ مسئولیت پذیری شهروندان از طریق رسانه ها و تبلیغات محیطی
- ترغیب و تشویق شهروندان و ایجاد سازوکارهای شهری در استفاده از وسایل نقلیه غیر آلوده کننده

- حمایت از تولید و عرضه محصولات فرهنگی با رویکرد سلامت روانی شهروندان
- برگزاری همایش ها و تجمع های اجتماعی جهت به مشارکت گرفتن شهروندان دال بر واقعی شدن تصمیمات
- تشویق شهروندان به همکاری با شورایاران محلی و شهرداری محلی در حفظ و نگهداری و توسعه فضاهای سبز شهری
- توانمندسازی شهروندان از طریق دوره ها و کارگاه های آموزشی امداد و نجات در خصوص انواع حوادث غیرمترقبه
- نهایت استفاده از مجریان مناسب در جهت اجرایی نمودن تصمیماتن که حاصل آن جاری شدن فرهنگی مناسب در قالب همزیستی شهروندان در سطح شهر

منابع

- بخارایی احمد؛ شربتیان محمد حسن؛ کبیری لیلا (۱۳۹۶) تحلیل جامعه شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی (مطالعه موردی: شهروندان تنکابن) جامعه شناسی کاربردی، ۲۸(۲)؛ ۱۲۷-۱۵۹
- توکلی، فرحناز. (۱۳۸۰). هویت شهروندی؛ حقوق و تکالیف، ماهنامه شهرداریها، شماره ۴۴.
- ثاقب فر، مرتضی (۱۳۸۰) فرهنگ دموکراسی، ارمه، گی، ترجمه، تهران، انتشارات ققنوس.
- دانایی فرد، حسن؛ آذر، عادل. و صالحی، علی (۱۳۸۸) قانون گریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی- فرهنگی؛ فصلنامه دانش انتظامی، ۱۱(۲)؛ ۳۸-۲۰
- رزاقی، حمید (۱۴۰۰) راهکارهای ارتقای فرهنگ شهروندی، تهران
- زارعی غفار، تقی پور سروگل (۱۳۹۶). بررسی نقش ساختار مدیریت شهری در توسعه فرهنگ سیاسی. مدیریت شهری و روستایی. ۱۳۹۶؛ ۱۶ (۴۶)؛ ۲۲۸-۲۱۷
- شادی، برات و شکاری، غلامعباس، (۱۳۹۲)، نقش مدیریت شهری در ارتقاء فرهنگ و اخلاق شهروندی، همایش ملی مدیریت یکپارچه شهری و نقش آن در توسعه پایدار شهری، سنندج
- شیانی، ملیحه و علی محمدی، محمد (۱۳۹۴) مطالعه فرهنگ شهروندی در مدیریت شهری تهران، پژوهش های انسان شناسی ایران، ۵(۲)، ۲۵۱-۲۲۷
- علی سیف زاده (۱۳۹۵) بررسی نقش الگوی شهروندیاری در ارتقاء فرهنگ شهروندی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه های دولتی استان تهران
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۷)، مفاهیم کلیدی شهروند و فرهنگ شهروندی در ایران، تهران، دیماه ۱۳۸۷، روزنامه سرمایه
- گنجی، محمد؛ نیازی، مهتاب و عسگری کنویری، احمد (۱۳۹۳) تحلیلی بر فرهنگ شهروندی بنا تأکید بر آموزش های شهروندی، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، ۴(۱۲)؛ ۷۵-۱۰۰
- خلیل آبادی، حسن ؛ شاهمرادی، سودابه؛ خانی زاده، محمد علی (۱۳۹۷) تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر ارتقای کیفیت زندگی شهروندان (نمونه موردی: شهر جدید بهارستان)، فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۴۵، تابستان ۹۷
- محمدی، جمال و تبریزی، نازنین. (۱۳۹۰) سنجش میزان آگاهی های عمومی به حقوق شهروندی قوانین شهری (مورد مطالعه: گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال شهرهای ساری، بابل، آمل و قائمشهر). مجله تخصصی جامعه شناسی. سال اول. شماره ۱

- مهدوی، سیدمحمدصادق، عاشوری، علی (۱۳۹۳) بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر ارتقاء فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهر بوشهر) ، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶(۴)، ۲۴-۳۹
- موحد، مجید؛ صالحی رزگار ؛ حسینی مریم (۱۳۹۲) مقایسه رابطه بین عوامل فرهنگی و میزان مسئولیت پذیری در میان نوجوانان شهرهای بانه و قروه، جامعه شناسی کاربردی، ۲۴(۱)، ۷۹-۸۹
- میرفردی اصغر ؛ فرجی فروغ (۱۳۹۵) بررسی میزان گرایش به قانون گریزی و رابطه آن با میزان مشارکت اجتماعی و میزان کنترل اجتماعی در شهر یاسوج، جامعه شناسی کاربردی، ۲۷(۲)، ۹۳-۱۱۰
- نوروزی، فرهاد. و گلپرور، محمد. (۱۳۹۰) بررسی میزان احسناس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل موثر بر آن؛ فصلنامه راهبرد ، ۲۰؛ ۵۹؛ ۱۶۷-۱۹۰
- همتی رضا ؛ احمدی وکیل (۱۳۹۳) تحلیل جامعه شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین کننده آن (مورد مطالعه: شهر ایوان)، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۴(۵)؛ ۲۰-۴۸
- MalekMahmudi,M. Saremi.H(2015)The Role of Citizen Participant in Urban Management (Case Study: Aligudarz City) و American Journal of Engineering Research (AJER), Volume-۴, Issue-1, pp-70-7۵
- Goode, I. (2010) "Cultural Citizenship Online: The Internet and Digital Culture", Citizenship Studies, 14 (5): 527- 542.